

O بنفشه توانایی

می خواهی چه کاره بشوی؟

بازیگر؟

عنوان کتاب: بازیگر

نویسنده: محمد کاظم کاظمی

ناشر: کتاب قلم (دفتر پژوهش های فرهنگی)

نوبت چاپ: اول ۱۳۸۲

شمارگان: ۱۰۰۰۰ نسخه

تعداد صفحات: ۱۶ صفحه

بها: ۲۷۰ تومان



سلسله کتاب های دفتر پژوهش های فرهنگی است که نمونه ای بسیار مثبت از فعالیت های است که در حوزه جوانان انجام شده است.

کتاب از دوازده بخش تشکیل شده که هر یک از بخش ها (جز مقدمه) با یک سؤال آغاز می شود. مثلاً: بازیگر کیست و چه کار می کند؟ یا بازیگر چه اطلاعاتی باید داشته باشد؟ و یا بازیگری را کجا یاد بگیریم؟ سوالات طرح شده در کتاب، سوالات کلی است که برای توضیح و تشریح هر شغلی به آن نیازمندیم.

جواب هر یک از سوالات در نوع خود بسیار موجز، اما تقریباً کامل، بی ادعا و راهنماست. پاسخ دادن به چنین سوالاتی، این چنین خلاصه و با زبانی که مخاطبان را جذب کند و از طرفی کامل و صحیح نیز باشد، کار بسیار مشکلی است که نویسنده کتاب، کاملاً از عهده آن برآمده است.

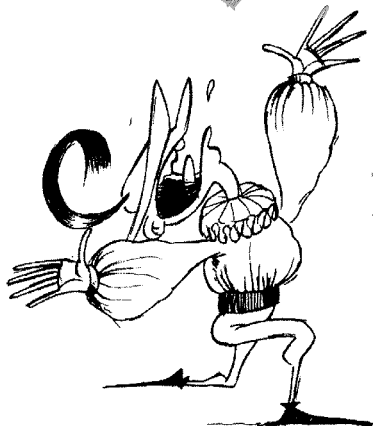
و اما مقدمه:

بازیگری از پرطرفدارترین هنرها و شغل های روزگار ماست که جذابیت های آن بسیار فریبنده است. شاید اختصاص دومین شماره از سلسله کتاب های «می خواهی چه کاره بشوی؟» به این شغل، به همین دلیل باشد.

کمک کردن به نوجوانان، برای انتخاب شغل آینده شان، از کاربردی ترین فعالیت هایی است که می توان در حوزه جوانان و نوجوانان انجام داد. هر یک از ما در مقطعی که مجبور به انتخاب شغل و تحصیلات آینده مان بوده ایم، مرحله سختی را گذرانده ایم که بدون تردید، عبور از این مرحله، با آگاهی و راهنمایی هر چه بیشتر سهل تر می شود.

در جامعه امروز، یکی از بیماری های اجتماعی شایع، عدم تطابق روحیه افراد با شغلی است که در آن مشغول به کارند. هر یک از ما حداقل هشت ساعت در روز مجبوریم با کارمان کنار بیاییم که البته اگر کنار آمدن ما همراه با علاقه باشد، می توانیم بگوییم که ما با کارمان زندگی می کنیم، اما اگر روحیه ما با شغلی که به آن مشغولیم، همخوان نباشد، این موقعیت تأثیراتی بر ما خواهد گذاشت که بارزترین و خطرناک ترینش، بی تفاوتی است که در پی آن، عدم خلاقیت و افسردگی نیز به زودی به سراغ مان خواهد آمد و برای یک جامعه چه چیز زیان آورتر از این دو؟

«می خواهی چه کاره بشوی؟ بازیگر» از





توضیح در مورد بازیگر و کار بازیگری فشرده، اما بسیار کامل بیان شده است. مقایسه بازیگر با مجسمه ساز و اشتراک هر دو در جسمیت بخشیدن به هدف شان یا یادآوری این که بازیگر در وقت تمرین، خصلت های روحی و رفتاری خود را فراموش می کند و می کوشد با خصلت های روحی و رفتاری شخصیت فیلم سخن بگوید و رفتار کند از جمله توضیحاتی است که برای مخاطبین کتاب، کاملاً قابل درک است

بازیگر در تمرکز، تخیل و حافظه اوست. پس از این، نویسنده به توضیح حافظه و تخیل می پردازد و در ادامه، توانایی های جسمی بازیگر را شرح می دهد. در این میان، درباره تمرکز توضیحی داده نمی شود، در حالی که لزوم تشریح این نکته از دو نکته دیگر «تخیل و حافظه» ضروری تر است؛ چرا که تمرکز عنصری است که همه ما چه بازیگر باشیم و چه نباشیم، به آن محتاجیم. بنابراین، به نظر می آید که آگاهی هر چه بیشتر در این زمینه، آثار مثبت تری به همراه خواهد داشت.

اما در تشریح توانایی جسمی بازیگر، اشاره ای گذرا به تمرین هایی شده است که بازیگر در طول کار خود به انجام آن ها دست می زند که به نظر می آید جا داشت در زمینه تمرین های پی در پی، سخت و گاه طاقت فرسای بازیگران برای احیای نقش، توضیحات بیشتری داده می شد تا جایی که اگر یک بازیگر رادیو با پرورش بیان خود می تواند از عهده نقش برآید که بازیگریمیم یا پانتومیم نیز می تواند مقصود خود را تنها با بدنش بیان کند. در بخش دیگری از کتاب، پرسش می شود که بازیگر چه اطلاعاتی باید داشته باشد؟ «بازیگر در همان حال که بایستی نسبت به همه چیز آگاهی داشته باشد، در صورت لزوم، باید نشان دهد که هیچ چیز نمی داند؛ یعنی هم باید اطلاعات عمومی خوبی داشته باشد و هم گاهی لازم است این اطلاعات را فراموش کند.» با این توضیح، متوجه می شویم که برخلاف تصور اغلب ما که فکر می کنیم چند عامل برای بازیگری و بازیگر شدن کافی است، بازیگر محتاج اطلاعات بسیار گسترده و عمیقی به خصوص در زمینه روان شناختی و شخصیتی است تا بتواند در طول عمر شغلی خود، شخصیت های متفاوتی را بازی کند.

همان طور که اشاره شد، در توضیحات داده شده، می خوانیم که بازیگر باید در حد توان به

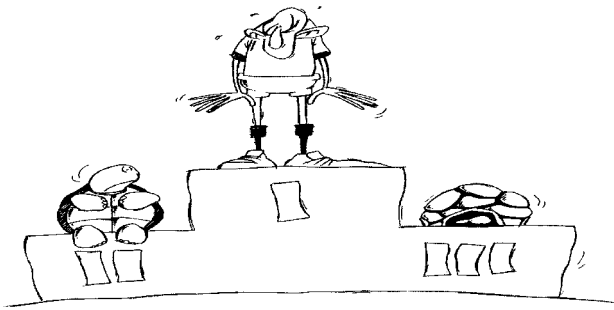
بانفوذ، می توانند به این وادی وارد شوند. اما نویسنده بلافاصله اشاره می کند که بازیگری، هنری سخت و پرمشقت است. این هنر نیازمند به آموزش، و زمان و تجربه بسیار است که در قسمت های بعدی، به این سختی و آموزش ها اشاراتی می کند. در مقدمه یازده خطی کتاب، از مسائلی صحبت می شود که گرچه بسیار گذرا و ساده بدان ها اشاره می شود، بسیار اساسی و قابل طرحند. و اما پاسخ نویسنده به اولین پرسش کتاب: بازیگر کیست و چه کار می کند؟ توضیح در مورد بازیگر و کار بازیگری فشرده، اما بسیار کامل بیان شده است. مقایسه بازیگر با مجسمه ساز و اشتراک هر دو در جسمیت بخشیدن به هدف شان یا یادآوری این که بازیگر در وقت تمرین، خصلت های روحی و رفتاری خود را فراموش می کند و می کوشد با خصلت های روحی و رفتاری شخصیت فیلم سخن بگوید و رفتار کند و یا تأکید بر وجود بازیگر، به عنوان مهم ترین عنصر نمایشی تا جایی که اگر بتوانیم نویسنده و کارگردان و طراح صحنه و... را حذف کنیم، هرگز قادر به حذف بازیگر نخواهیم بود، از جمله توضیحاتی است که برای مخاطبین کتاب، کاملاً قابل درک است.

اما در بخش دیگری از کتاب، در محدوده آشنایی با وسایلی که بازیگر به آن احتیاج دارد، چنین می خوانیم: «بازیگر برخلاف صاحبان سایر شغل ها ابزار و وسایلی را در درون خودش جست و جو می کند... توانایی های روحی یک



در مقدمه کتاب، نویسنده توضیح می دهد که این شغل به گونه ای است که معمولاً افراد گمان می کنند می توانند از عهده آن برآیند. عده ای نیز می پندارند که از طریق یک آشنای

این کتاب، از کتاب‌ها موفق
در زمینه کاری خود است.
نویسنده کتاب با آگاهی و تجربه لازم،
دست به نوشتن برده و
در سبک کاری خود
موفق بوده است



همه چیز آگاهی داشته باشد و هم در عین حال، در صورت لزوم آن‌ها را فراموش کند. این تشریح، تشریح کاملاً درستی است، اما برای کسانی قابل درک است که تجربه بازیگری دارند. کاش در ادامه این توضیح، نویسنده مانند اغلب جاهای کتاب، درباره دلیل این نیاز هم توضیحاتی می‌داد.

بازیگر چگونه می‌تواند در شغلش پیشرفت کند؟ بد نبود در هنگام پاسخ، درباره ستاره شدن ناگهانی بعضی از بازیگران سخن گفته می‌شد؛ چرا که خوب می‌دانیم درصد بالایی از کسانی که شغل بازیگری را انتخاب می‌کنند و به خصوص مخاطبین این کتاب، از شوق ستاره شدن و شهرت به سمت بازیگری می‌روند. البته، نویسنده به این موضوع اشاره کوتاهی می‌کند اما جا داشت که پرداخت بیشتری به این موضوع می‌شد.

می‌دانیم که یکی از ضرورت‌های وجود یک شغل، نیاز جامعه به آن است و بازیگری در این میان، چه نقشی می‌تواند داشته باشد؟ «مردم به بازیگر توانا نیازمندند؛ زیرا به نیازهای روحی آن‌ها پاسخ می‌دهد. او به مردم کمک می‌کند تا بخندند یا بگریزند. همه ما به کمک بازیگر، احساس‌ها و عاطفه‌های فروخورده‌ی خود را آزاد می‌کنیم. ارتباطی که بازیگر با تماشاگر برقرار می‌کند، در هیچ یک از هنرهای دیگر نظیر ندارد.» این پاسخ از مهم‌ترین و کامل‌ترین پاسخ‌های کتاب است. خواننده کتاب، پس از مطالعه چنین توضیحی، به درک عمیقی از شغل بازیگری می‌رسد و هم‌چنین، به تلاش سخت و بی‌وقفه بازیگر برای شناخت مردم و جامعه خود پی می‌برد. به علاوه، متوجه می‌شود که بازیگر، به عنوان فردی از افراد جامعه، چه رسالت بزرگی برگردن دارد.

با توجه به تب بازیگری در بین جوانان امروز، عده‌ای فرصت طلب نیز بی‌کار نشستند و هر چه در توان داشته‌اند، برای گشودن انواع و

اقسام کلاس‌ها و آموزش‌های بازیگری کوشیده‌اند! جوانان با شرکت در این کلاس‌ها، فقط و فقط پول و وقت خود را تلف می‌کنند.

هشدار کتاب به

وجود چنین

پدیده‌ای و لزوم

آگاهی و انتخاب

درست جوانان

برای ثبت نام

و شرکت در

چنین

آموزشگاه‌هایی از

قسمت‌های ضروری و

لازم این کتاب است.

باری در ادامه،

سؤال دیگری مطرح

می‌شود: بازیگر چگونه می‌تواند در

شغلش پیشرفت کند؟ پاسخ نویسنده به این

سؤال، گرچه تا حدی روشنگر است، به علت

تمایل شدید و شور و شوق امروزی جوانان به

این موضوع، لازم بود نویسنده در این زمینه

توضیحات بیشتری می‌داد تا مخاطبین خود را

از آفت چنین اندیشه‌هایی آگاه‌تر کند.

به هر حال، کتاب «می‌خواهی چه کاره

بشوی؟ بازیگر»، از کتاب‌های موفق در زمینه کاری خود است. نویسنده کتاب با آگاهی و تجربه لازم، دست به نوشتن برده و در سبک کاری خود موفق بوده است. برای او و برای دیگر دست‌اندرکاران این پروژه مفید و ضروری آرزوی موفقیت داریم.